

نبرد حق و باطل در عصر امام مجتبی‌علیه‌السلام

سید محمد موسوکنیا

خاندان اموی از ابتدای بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله از سرسختترین دشمنان حضرت محسوب می‌شدند و در صدر این خاندان، «ابوسفیان» قرار داشت که تا لحظه مرگ از هیچ اقدامی برای تضعیف جبهه اسلام فروگذار نکرد. او با کمک همسرش «هند» قبایل مختلف عرب را بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شوراند و به تقویت مالی آنها در این راه توجه داشت.

پس از جنگ بدر و کشته شدن ده‌ها نفر از خویشاوندانشان، کینه و حسادتیان به اسلام و شخص رسول الله صلی الله علیه و آله مضاعف شد؛ به گونه‌ای که از هر فرصتی برای انتقام‌گیری بهره می‌بردند، تا آنجا که هند در واقعه احد در قساوتی بی‌مانند جگر حمزه، عموی رسول الله صلی الله علیه و آله را به دندان کشید^۱ البته با وجود تمام این خباثت‌ها، خداوند، نیرنگشان را به خودشان بازگرداند و پیامبرش را یاری کرد و به اسلام، عزت بخشید و ابوسفیان را خوار و منکوب کرد تا آنجا که در فتح مکه ذیلان، زیر بیرق اسلام قرار گرفت و به ظاهر ادعای اسلام کرد؛ در حالی که او و همسرش هرگز به رسول خدا صلی الله علیه و آله و دین اسلام، ایمان واقعی پیدا نکردند.

معاویه، فرزند ابوسفیان است که در محیطی ناباشته از انتقام و کینه به اسلام و سربازانش رشد کرد تولد او را پنج سال قبل از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نوشته‌اند.^۲ او در شرایطی پا به عرصه اجتماع و سیاست گذاشت که ۵۵ روایت، حاوی ذم وی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله در اذهان صحابه و تابعان به جای مانده بود که اکنون در منابع اهل سنت نیز تعدادی از آنها مضبوط است از جمله، خبر ذیل که بلاذری، طبری و دیگر مورخان اهل سنت گزارش می‌کنند.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اکنون از این گذرگاه مردی می‌آید که در قیامت، بیرون از دین محشور می‌شود.» لحظه‌ای بعد، معاویه از آن راه وارد شد.^۳ عمر بن خطاب با معاویه رابطه صمیمی داشت؛ از این رو پس از مرگ یزید بن ابی‌سفیان، معاویه را به ولایت دمشق گماشت و او تا هنگام کشته شدن عمر، همچنان والی دمشق بود.

در واقع، عمر بود که معاویه را به مقام خلافت نزدیک کرد^۴ و پس از آن همه پستی و تیره‌روزی در خاندان بنی امیه، معاویه را بالا کشید و حکومت بر مردم و مناصب مهمی چون پایگاه قضاوت و امامت نماز جماعت را به او واگذارید بعد از عمر، «عثمان بن عفان» نخست او را بر همان ولایت دمشق گماشت و سپس حکومت تمام شامات را در اختیار او نهاد. حکمرانی معاویه بر شام بیست سال طول کشید. او منازعه با خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله را از بدو خلافت امام علی علیه‌السلام آغاز کرد و توانست با اتخاذ سیاست مکر و حيله، به اسلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان، صدمات فراوانی وارد آورد و در نتیجه همین

۱. السيرة النبوية، عبدالملك بن هشام الحميري دارالمعرفة بيروت، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۱.

۲. الطبقات الكبرى، ابن سعد، دارالکتب العلمیة بیروت، ۱۹۹۰ م، ج ۷، ص ۲۸۵.

۳. انساب الاشراف، البلاذري دارالفکر بیروت، چاپ اوله ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۱۲۶؛ تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۵۸.

۴. اسد الغبه فی معرفة الصحابة، البیہقی، دارالفکر بیروت، ۱۹۸۹ م، ج ۴، ص ۴۳۴.

تلاشها و تخریبها، خلافت را به خاندان اموی عطا کرد^۱

معاویه در ایام حکومتش چیرگی و نفوذی فوق‌العاده یافت و چون عثمان بر اثر خلافت‌کاریها و اشتباهاتش به دست مسلمانان کشته شد، قتل خلیفه را دستاویزی برای رسیدن به هدفهای شومش قرار داد و بر امیرالمؤمنین علیه‌السلام شورید و حضرت را در قتل عثمان، سهیم شمرد و در نتیجه ضرباتی کوبنده از کشمکشها و گرفتاریها بر اسلام وارد ساخت و اجتماع مسلمانان را دچار پراکندگی کرهین حوادث دردناک به پیروزی او و شکست ظاهری امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فرزندش امام حسن علیه‌السلام منجر شد و چون پس از ماجرای طح با امام حسن علیه‌السلام حکومت مسلمانان را به چنگ آورد، به احیای آیین جاهلیت پرداخت در اینجا، گوشه‌هایی از سیاستها و جنایات معاویه را ذکر میکنیم تا دشواری امر امام حسن علیه‌السلام در مقابله با این مرد فریکر آشکار شود

افکار، اهداف و جنایات معاویه

۱. معاویه در گفتگو با «مطاف بن مغیره» به نفرت خود از اینکه هر روز پنج مرتبه نام رسول الله صلی الله علیه و آله بر مآذنها برده می‌شود، تصریح کرده، می‌گوید: برادر ما عثمان به خلافت رسید مردی که در نسب همانند نداشت، کرد آنچه کرد و سرانجام با او چنان رفتار کردند و به خدا قسم تا مُرد نامش نیز بمرد و کسی دیگر به یاد او و آنچه با او کردند نیفتاد؛ اما برادر هاشمیا (پیامبر) هر روز پنج بار نامش را فریاد می‌زنند و می‌گویند: «اشهد ان محمداً رسول الله»، پس ای بی‌مادر! پس از این برای من چه باقی می‌ماند، مگر آنکه نام او را دفن کنم؟

۲. با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند، متعلق به بستر هم‌خوابگی (قانونی) است»؛ ولی معاویه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نادیده گرفت و طبق رسم ننگین جاهلیت «زیاد بن ابیه» را که فرزند زنی بدکاره بود، به برادری خود ملحق ساخت^۲

۳. معاویه کسانی را که پخدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله دروغ می‌بستند، به خود نزدیک می‌کرد و با دادن وعده های کلان مالی، دستگاه جعل حدیث و فضیلت‌سازی به راه انداخت تا احادیثی دروغین در فضیلت او و بنی امیه و اهانت به خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بسازند و نشر دهند؛ برخی از احادیث مجعول درباره‌ی خلفا و معاویه چنین است

«حارث بن اسامه» نقل می‌کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ابوبکر نازک‌دلت‌ترین و مهربان‌ترین افراد امت من است» و آنگاه به ذکر فضایل دیگر خلفا و جمعی از صحابه پرداخت و درباره‌ی معاویه فرمود: «معاویه بن ابی سفیان، بردبارترین و بخشنده‌ترین پیروان من است. و روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به فضیلت یارانش اشاره کرده و درباره‌ی معاویه فرموده است: معاویه بن ابی سفیان، رازدار من است»^۳

سیاست جعل حدیث برای معاویه در شرایطی بود که دوستان و یاران امام علی علیه‌السلام در روزگار معاویه به جرم نقل فضایل ایشان دچار انواع آزارها و

۱. ر ک: حیاة الإمام الحسن بن علی علیه السلام، باقر شریف قرشی، دارالبلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲. الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، انجمن آثار علمیه تهران، ۱۳۵۳ ش، ج ۲، ص ۹۳۱.

۳. شرف النبى، ابو سعید واعظ، تحقیق محمد روشن‌نشر بابک تهران، ۱۳۶۱ ش، ج ۶، ص ۸۹؛ همچنین ببینید: تاریخ الإسلام ذهبی، ج ۳، ص ۳۰۹.

گرفتاریها می‌شدند.

معاویه از راه‌های گوناگون کوشید تا مردم را از نقل روایات ی در فضیلت امیرالمؤمنین، علی‌علیه‌السلام بازدارد، تا آنجا که محدثان از امام با لقب «ابو زینب» روایت می‌کردند و از تصریح به اسم امام‌علیه‌السلام بیم داشتند^۱

۴. از زشت‌ترین سیاست‌های معاویه در راستای تخریب وجهه‌امیر المؤمنین علیه‌السلام به ویژه در شام، دستور اکید او به سب و لعن امام علی‌علیه‌السلام بود. با اینکه معاویه در صلحنامه خود با امام حسن علیه‌السلام متعهد شده بود که مانع این اقدام شود؛ لکن تا سالها پس از معاویه نیز این سنت زشت باقی ماند^۲

۵. معاویه در طول زعامتش بر شام ده‌ها نفر از بی‌گناهان را به خاک و خون کشید. او گروه‌های چریکی موسوم به «غارات» را روانه مناطق شیعه‌نشین می‌کرد تا با ایجاد رعب و ناامنی در سرزمینهای تحت قلمرو امیرالمؤمنین علیه‌السلام ناراضیاتیها را افزایش دهد از وحشیانه‌ترین حملات این گروه‌ها حمله «بسر بن ارطاة» به حجاز و قتل مردم و کودکان بی‌گناه و از جمله سر بردن دو فرزند خردسال «عبید الله بن عباس» پیش چشم مادرشان می‌باشد.^۳

سیاست‌های معاویه علیه امام

۱. اعزام جاسوس:

معاویه می‌کوشید از هر راهی، آخرین اخبار درباره امام حسن علیه‌السلام و برنامه‌های ایشان را به دست آورد؛ لذا افرادی را به بصره، کوفه و سایر نقاط حساس ارسال کرد این افراد علاوه بر کسب اطلاعات، وظیفه داشتند مردم را علیه امام حسن علیه‌السلام بشورانند. شیخ مفید رحمه الله و دیگران خبر دستگیری و قتل تعدادی از آنها را به دلیل جاسوسی و بغی بر امام مسلمین نقل کرده‌اند.^۴

۲. اعزام سپاه به سوی عراق:

پس از رد و بدل شدن نامه‌های تند میان امام حسن علیه‌السلام و معاویه، وی کوشید تا با اعزام نیرو به سوی عراق کار امام را یکسره کند؛ لذا فرماندهان خود را از شام، اردن و فلسطین فرخواند و با لشکری که تعدادشان را شصت هزار تن گفتند، راهی موصل شدند

معاویه قصد داشت که با نمایش اسلحه و قدرت، امام حسن علیه‌السلام را مرعوب و مجبور به کناره‌گیری کند و یا اگر این روش با موفقیت روبه‌رو نشد، به نیروهای عراقی - قبل از اینکه فرصت یابند تا موقعیت خود را تحکیم بخشند - حمله کند.^۵

۳. طراحی ترور امام حسن علیه‌السلام

با وجود کناره‌گیری امام حسن علیه‌السلام از خلافت و سپردن امور به معاویه؛

۱. الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، أسد حیدر، دارالتعافیر بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۱۱۲؛ کشف الغمّه، اربلی، نشر بنی‌هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. مروج الذهب، مسعودی، دارالهجره قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۶۲؛ الطبقات الکبری، ابی‌سعید، خامسه، ص ۱۸۶.

۴. الإرشاد، شیخ مفید، انتشارات کنگره شیخ مفید تهران، ج ۲، ص ۹؛ کشف الغمّه، اربلی، ج ۵۰۶؛ انیس المؤمنین، محمد بن اسحاق حموی، نشر بنیاد بعثت تهران، ۱۳۶۳ش، ص ۸۹.

۵. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۳؛ انیس المؤمنین، محمد بن اسحاق حموی، ص ۸۹؛ حیاة الإمام الحسن بن علی، باقر شریف قرشی، ج ۶۸؛ تشیع در مسیر تاریخ، حسین محمد جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۶۲.

لکن نفس وجود امام برای جبهه زور و باطل گران به شمار می‌آید؛ لذا به تصریح منابع فراوان، معاویه از طرق مختلف اقلیم به ترور امام حسن علیه السلام می‌کرد که بارها طرح او به شکست انجامید اما سرانجام «جعه بنت اشعث» که به او وعده مالی و ازدواج با یزید داده شده بود، توانست با نفوذ در بیت امام علیه السلام، ایشان را به شهادت برساند و بارها به امام سم خوراند؛ لکن از آن رهایی می‌یافت؛ اما در مرتبه آخر به قدری سم شدید بود که امام علیه السلام تاب مقاومت را از دست داد.

۴. خیانت سران سپاه امام حسن علیه السلام

از مهم‌ترین سیاست‌های معاویه در تحمیل صلح بر امام حسن علیه السلام تلاش در جهت جدا کردن فرماندهان و یاران زبده امام علیه السلام با وعده مال و منصب بود که با این کار علاوه بر اینکه ضربه کاری بر جبهه امام وارد می‌کرد، باعث تزلزل اعتقادی و روحی در میان شیعیان سست ایمان نیز می‌شد تا انگیزه مقابله را از دست بدهند و یا نسبت به حقانیت امام حسن علیه السلام به شک و تردید بفتند.

از مهم‌ترین مصادیق این سیاست، جذب مخفیانه «عبید الله بن عباس» بود که با وعده دریافت یک میلیون درهم سپاه امام را رها کرد و در حالی که شیعیان منتظر بودند که نماز صبح را اقامه کند، خبر رسید که به سپاه معاویه پیوسته اسلحانه به گزارش بلاذری، پس از این واقعه عده دیگری از بزرگان عراق نیز به معاویه پیوستند انتشار این اخبار بی‌اندازه در روحیه سربازان امام علیه السلام ایجاد ضعف کرد.

سرانجام معاویه در شب پنجشنبه نیمه ماه رجب سال شصتم هجری در هفتاد و هشت سالگی جان داد و این در حالی بود که فرزند پستو از خود یعنی یزید را به خلافت و سرپرستی جامعه اسلامی نصب کرده بود.

مواضع امام حسن علیه السلام در قبال معاویه

امام حسن علیه السلام با دشمنی سرسخت، حيله‌گر، سیّاس و خونریز روبه‌رو بوده است و این مسئله برای امام موقعیتی دشوار و پر مضيقه را رقم می‌زد، به ویژه در زمانی که عراقیان با سستی و قصورهای مکرر در حمایت از امام علیه السلام، بر این دشواریها افزوده بودند با وجود این، امام حسن علیه السلام بسان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرش امیر المؤمنین علیه السلام از سیاست‌های مشخصی در راستای احیای حکومت اسلامی و مقابله با توطئه‌های دشمنان و به ویژه معاویه پیروی می‌کرد؛ سیاستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام پیش از امام حسن علیه السلام به اجرا درآورده بودند در عصر امام مجتبی تعقیب شد و آن سیاست مبنایی «حفظ مصالح عمومی اسلام و مسلمانان» بود؛ سیاستی که بر اساس آن، مجری اسلام گاه ناچار از به دست گرفتن شمشیر در میدان مبارزه است، و گاه موظف است که صبر پیشه کند و برای حفظ اساس اسلام و مسلمانان واقعی سکوتی طولانی داشته باشد و سرانجام در راستای همین سیاست مبنایی است که گاه ناگزیر از صلح با دشمن اسلام نیز می‌شود.

برخی ناآگاهان در طول تاریخ، امام حسن علیه السلام را به دلیل قبول صلح نامه معاویه مورد شماتت قرار داده، بر مظلومیت ایشان افزوده‌اند، و کار را تا آنجا پیش

۱. أنساب الأشراف، بلاذری، ج ۴، ص ۵۵؛ الإرشاد، شیخ مفید، ج ۱۵؛ الإحتجاج، طبرسی، نشر المرتضی مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲. مقاتل الطالبین، أبو الفراء صفهانی، دارالمعرفة بیروت، بی‌تا، ص ۷۳.

۳. أنساب الاشراف، بلاذری، ج ۴، ص ۳۹.

برده‌اند که:

- عده‌ای از جُهاال، ایشان را «مذلل المؤمنین» می‌نامند.
- عده‌ای از شیعیان با وقاحت تمام ایشان را «عار المؤمنین» می‌نامند.
- برخی دیگر تلاش کرده‌اند تا به بهانه این صلح و با کمک گرفتن از روایات جعلی اثبات کنند که اساساً امام حسن علیه السلام روحیه‌ای مسالمت‌جویانه داشته است و کوشیده‌اند از این طریق، امام حسن علیه السلام را در نقطه مقابل برادرشان نشان داده، امام حسین علیه السلام را فردی خونریز و جنگجو معرفی کنند^۱
- و این تنها گوشه‌ای از مظلومیت امام حسن علیه السلام نزد غافلان و برخی شیعیان بی‌بصیرت است که امام علیه السلام با درک شرایط حساس امت اسلامی و برای حفظ جان اندک شیعه واقعی، پیشنهاد صلح را می‌پذیرند^۲ و بزرگ‌ترین خدمت را به امت ارائه می‌کنند. این تهمتها در حالی اتفاق می‌افتد که هنوز واقعه صلح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با مشرکین در ماجرای حدیبیه و یا صلح ایشان با قبایل بنی ضمیره^۳ و «بنی اشجع»^۴ و صبر و سکوت بیست و پنج ساله امام علی علیه السلام در برابر غاصبین خلافت، که هر دو تداعی کننده «صلح مصلحت جویانه» و جواز آن برای امام مسلمین بود، در اذهان صحابه و تابعین وجود داشت^۵
- با این حال برای دفع اتهامات فوق مبنی بر وجود روحیه صلح طلبانه امام حسن علیه السلام و سستی ایشان در نبرد با دشمن در مقاله آینده به ذکر گوشه‌هایی از سیاستهای تهاجمی امام حسن علیه السلام در قبال معاویه می‌پردازیم. به طور کلی با نگاه به مواضع و سیاستهای امام حسن علیه السلام در مواجهه با اقدامات معاویه می‌توان برخورد امام با دشمن اصلی شان را دریافت. این برخوردهای امام حسن علیه السلام مجموعاً در سه مقطع پیش از خلافت، حین خلافت و پس از واگذاری خلافت روی داده است

۱. السيرة الحلبية، حلبی شافعی، دارالکتب العلمیة بیروت، چاپ دوم ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۰۵.

۲. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه رسول جعفریان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت قم، ص ۱۲۲.

۳. علل الشرائع، شیخ صدوق، نشر داورقم، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۱۱.

۵. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۸۸.